



Research Article

The International Responsibility of the Zionist Regime in the 12-Day War: The Convergence of "Independent Responsibility" and "Derivative Responsibility"

Saeed Mokhtari^{1*}, Mohamad Setayeshpur²

1. PhD Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
2. Associate Prof., International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

Article history:

Received: 12-10-2025

Accepted: 03-02-2026

Abstract

Introduction

The twelve-day war between the Zionist regime and Iran in June 2025 constitutes a pivotal moment in the region's tense dynamics, reviving fundamental questions regarding the scope of international state responsibility. The conflict began with coordinated aerial and cyberattacks by the Israeli regime against military, infrastructural, and civilian targets on Iranian soil and escalated with direct and indirect support from the United States. The core research question is whether the Israeli regime's military actions amount to "armed aggression" and a violation of preemptory norms of international law, thereby incurring its independent responsibility; and if so, to what extent its derivative responsibility can be established due to knowingly aiding, facilitating, and cooperating with the United States in committing internationally wrongful acts. The article's primary objective is to elucidate the legal dimensions and theoretical foundations of the Israeli regime's independent and derivative international responsibility in light of this event.

Please cite this article as:

Mokhtari, S., Setayeshpur, M (2026). The International Responsibility of the Zionist Regime in the 12-Day War: The Convergence of "Independent Responsibility" and "Derivative Responsibility". *Journal of Legal Studies*, 17(4), 227-270. doi: <https://10.22099/JLS.2026.54518.5393>.

* Corresponding author:

E-mail address: Hofarigon@gmail.com

Methods

This research employs an analytical-comparative approach and library research method. The referenced data includes official international documents (such as United Nations reports, Security Council statements, and International Law Commission documents), rulings from international judicial bodies (such as the International Court of Justice and the European Court of Human Rights), reports from independent human rights organizations, and credible international media outlets. The analysis is based on the legal framework governing international state responsibility, particularly the ILC's 2001 Draft Articles and the provisions of the UN Charter.

Findings: The research findings are presented in three main areas:

1. **The Independent Responsibility of the Zionist Regime:** The Israeli regime's actions in initiating and expanding the twelve-day war constitute all elements of "armed aggression" from the perspective of international law. The regime's claim of preemptive self-defense is incompatible with the stringent criteria of the Caroline Test and the conditions of Article 51 of the UN Charter, as no credible evidence was presented of an imminent, overwhelming, and unavoidable threat from Iran. Therefore, Israel's use of force constitutes a clear violation of Article 2(4) of the Charter and the peremptory norm prohibiting the use of force. Furthermore, the extent of attacks on densely populated civilian areas and vital infrastructure violated fundamental principles of International Humanitarian Law, including distinction, proportionality, and precaution. From an attribution perspective, all direct operations by Israeli armed forces, as well as proxy acts under the direction or effective control of its security apparatus, are attributable to this regime under Articles 4 and 8 of the 2001 Draft Articles.
2. **The Derivative Responsibility of the Zionist Regime:** In the final days of the war, the Israeli regime, by providing precise targeting intelligence, logistical support, and operational coordination, facilitated and enabled the United States' aggressive attacks against Iran. This conduct, given the awareness of Israeli officials of the unlawfulness of US actions (absent Security Council authorization or legitimate self-defense), clearly falls within the framework of Article 16 of the ILC's 2001 Draft Articles (aid or assistance in the commission of an internationally wrongful act), thereby establishing the regime's derivative responsibility.
3. **Convergence of Independent and Derivative Responsibility:** The innovative aspect of this study is its analysis of a situation where a

single set of actions (such as providing intelligence and operational assistance to the United States) simultaneously constitutes both a direct violation of the Israeli regime's primary obligations (e.g., the peremptory norm prohibiting assistance in the serious breach of international obligations) and a breach of its secondary obligation to refrain from aiding the wrongful act of another state. This leads to the convergence and concurrent application of both independent and derivative responsibility for a single set of wrongful acts.

Conclusion

Based on the findings, the study's primary hypothesis - that the Zionist regime incurs independent international responsibility for armed aggression and derivative responsibility for knowingly aiding and assisting the United States - is confirmed. This regime bears responsibility for the damages inflicted upon Iran not only as the principal perpetrator but also as an accomplice in the commission of the wrongful act, and is obligated to provide reparation and assurances of non-repetition. This analysis underscores the necessity of rethinking international legal mechanisms to address multilateral and networked forms of aggression and to strengthen the accountability of assisting states.

Keywords: Armed aggression by the Israeli regime, Twelve-day war, Breach of obligation, Derivative responsibility, Independent responsibility.



مقاله پژوهشی

مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه: همگرایی «مسئولیت مستقل» و «مسئولیت اشتقاقی»

سعید مختاری^{۱*}، محمد ستایش‌پور^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشیار حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

اطلاعات مقاله
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

چکیده

مقدمه: جنگ دوازده‌روزه میان رژیم صهیونیستی و ایران در ژوئن ۲۰۲۵، نقطه عطفی در روابط پرتنش منطقه‌ای محسوب می‌شود که پرسش‌های بنیادینی را در خصوص حدود و ثغور مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها احیا کرد. این درگیری با حملات هماهنگ هوایی و سایبری رژیم اسرائیل علیه اهداف نظامی، زیرساختی و غیرنظامی در خاک ایران آغاز و با حمایت مستقیم و غیرمستقیم ایالات متحده تشدید شد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی این موضوع است که آیا اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی واجد وصف «تجاوز نظامی» و نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل بوده و مسئولیت مستقل آن را محقق می‌سازد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، تا چه حد می‌توان مسئولیت اشتقاقی این رژیم را به دلیل کمک، تسهیل و همکاری آگاهانه با ایالات متحده در ارتکاب اعمال متخلفانه تبیین کرد؟ هدف اصلی مقاله، تبیین ابعاد حقوقی و مبانی نظری مسئولیت بین‌المللی مستقل و اشتقاقی رژیم اسرائیل در پرتو این واقعه است.

استناد به این مقاله:

مختاری، سعید و ستایش‌پور، محمد (۱۴۰۴). مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه: همگرایی «مسئولیت مستقل» و «مسئولیت اشتقاقی». *مجله مطالعات حقوقی*. شماره ۱۷. (۴).

روش‌ها: این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و با روش تحقیق کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های مورد استناد شامل اسناد رسمی بین‌المللی (مانند گزارش‌های سازمان ملل متحد، بیانیه‌های شورای امنیت و اسناد کمیسیون حقوق بین‌الملل)، آرای مراجع قضایی بین‌المللی (نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان اروپایی حقوق بشر)، گزارش‌های نهادهای مستقل حقوق بشری و رسانه‌های معتبر بین‌المللی است. تحلیل بر مبنای چارچوب حقوقی حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، به‌ویژه طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل و مقررات منشور ملل متحد صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش در سه محور اصلی قابل ارائه است:

- **مسئولیت مستقل رژیم صهیونیستی:** اقدامات رژیم اسرائیل در آغاز و گسترش جنگ دوازده‌روزه، از منظر حقوق بین‌الملل واجد تمامی عناصر «تجاوز نظامی» بوده است. ادعای دفاع مشروع پیش‌دستانه این رژیم، با معیارهای سختگیرانه آزمون کارولین و شرایط ماده ۵۱ منشور ملل متحد سازگار نبوده، زیرا شواهد معتبری از وجود تهدید فوری و قاطع از سوی ایران ارائه نشده است. بنابراین، توسل به زور اسرائیل نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور و قاعده آمره منع توسل به زور محسوب می‌شود. همچنین، گستردگی حملات به مناطق با تراکم جمعیت غیرنظامی و زیرساخت‌های حیاتی، ناقض اصول بنیادین حقوق بشردوستانه از جمله تفکیک، تناسب و احتیاط بوده است. از منظر انتساب، کلیه عملیات مستقیم نیروهای مسلح اسرائیل و نیز اقدامات نیابتی تحت هدایت یا کنترل مؤثر نهادهای امنیتی آن، مطابق مواد ۴ و ۸ طرح ۲۰۰۱، به این رژیم منتسب است.

- **مسئولیت اشتقاقی رژیم صهیونیستی:** در روزهای پایانی جنگ، رژیم اسرائیل با ارائه اطلاعات هدف دقیق، پشتیبانی لجستیک و هماهنگی عملیاتی، موجبات تسهیل و اجرای حملات تجاوزکارانه ایالات متحده علیه ایران را فراهم آورد. این رفتار با توجه به علم مقامات اسرائیلی به غیرقانونی بودن اقدامات آمریکا (با فقدان مجوز شورای امنیت یا دفاع مشروع)، به وضوح در چارچوب ماده ۱۶ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل (کمک و مساعدت به ارتکاب فعل متخلفانه) قرار می‌گیرد و مسئولیت اشتقاقی این رژیم را محقق می‌سازد.

- **همگرایی مسئولیت مستقل و اشتقاقی:** نکته نوآورانه این پژوهش، تحلیل وضعیتی است که در آن یک سری اقدامات

واحد (مانند ارائه کمک‌های اطلاعاتی و عملیاتی به ایالات متحده) همزمان هم نقض مستقیم تعهدات اولیه رژیم اسرائیل (مانند قاعده آمره منع کمک به نقض فاحش تعهدات بین‌المللی) و هم نقض تعهد ثانویه مبنی بر عدم مساعدت به عمل متخلفانه دولت دیگر را در پی دارد. این امر منجر به همگرایی و هم‌زمانی طرح مسئولیت مستقل و اشتقاقی نسبت به یک مجموعه از اعمال متخلفانه می‌شود.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تحقق مسئولیت بین‌المللی مستقل رژیم صهیونیستی به دلیل تجاوز نظامی و نیز مسئولیت اشتقاقی آن به علت کمک و مساعدت آگاهانه به ایالات متحده، تأیید می‌شود. این رژیم نه‌تنها به‌عنوان دولت مباشر، بلکه به‌عنوان دولت معاون در ارتکاب فعل متخلفانه، در قبال خسارات وارده به ایران مسئولیت دارد و مکلف به جبران خسارت و ارائه تضمین عدم تکرار است. این تحلیل بر ضرورت بازاندیشی در سازوکارهای حقوقی بین‌المللی برای مواجهه با اشکال چنددولتی و شبکه‌ای تجاوز و تقویت مسئولیت‌پذیری دولت‌های مساعدت‌کننده تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی، جنگ دوازده‌روزه، نقض تعهد، مسئولیت اشتقاقی، مسئولیت مستقل.

سر آغاز

توسل به زور در روابط بین‌الملل از جمله موضوعاتی است که از بدو شکل‌گیری منشور ملل متحد تاکنون، به‌عنوان یکی از ستون‌های بنیادین نظم حقوقی بین‌الملل شناخته می‌شود. اصل منع توسل به زور (Article 2(4) of the UN Charter) نه‌تنها از قواعد آمره^۱ محسوب می‌شود بلکه نقض آن، بنیان امنیت جمعی را به چالش می‌کشد (Crawford, 2013; Gray, 2018; ICJ, 1986). در این میان، جنگ دوازده‌روزه میان رژیم صهیونیستی و ایران در فاصله ۱۳ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ را می‌توان یکی از رخداد‌های مهمی دانست که در فضای پرتنش خاورمیانه، پرسش‌های بنیادینی در باب حدود و ثغور مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها احیا کرده است. حملات هوایی و سایبری اسرائیل به اهداف نظامی، غیرنظامی و زیرساختی در خاک ایران، واکنش‌های شدید دیپلماتیک و حقوقی را در سطح جهانی به دنبال داشت. افزون بر آن، نقش ایالات‌متحده در حمایت نظامی و اطلاعاتی از اسرائیل در روزهای پایانی جنگ، ابعاد مسئولیت اشتقاقی اسرائیل در کمک به این دولت را نیز برجسته ساخت (The Guardian, 18 June 2025; UN SC, S/2025/398; Reuters, 30 June 2025).

بی‌تردید، بررسی مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در قبال این تجاوز نظامی، مستلزم تحلیل دقیق عناصر تشکیل‌دهنده فعل متخلفانه بین‌المللی از جمله انتساب، نقض تعهد و آثار حقوقی ناشی از آن است (احمدی بختیاری و محمودی، ۱۴۰۴: ۱۰۳۸). همچنین، تحلیل مسئولیت اشتقاقی اسرائیل در قبال کمک، تشویق یا تحریک به تجاوز ایالات‌متحده، نیازمند واکاوی مواد ۱۶ تا ۱۸ و ۴۱ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها و رویه‌های قضایی مرتبط است (Aust, 2011; Nollkaemper, 2011). مراد از همگرایی مسئولیت مستقل و

1. jus cogens

مسئولیت اشتقاقی پرداختن به وضعیتی است که در آن فعل واحد موجبات طرح هر دو نوع مسئولیت را فراهم آورد. از منظر نظری، چنین تحلیلی می‌تواند به درک عمیق‌تری از پیوند میان مسئولیت مستقل¹ و اشتقاقی² در نظام مسئولیت دولتها و به هم‌زمانی طرح این دو نوع مسئولیت بین‌المللی و همگرایی آن‌ها برای فعل متخلفانه واحد منجر شود. باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که سخن گفتن از مسئولیت رژیم صهیونیستی به‌مثابه شناسایی آن رژیم به عنوان دولت نیست. چه اینکه عضویت ایران و رژیم صهیونیستی در سازمان‌های بین‌المللی واحد نیز به‌مثابه شناسایی آن رژیم به عنوان دولت نیست. در واقع، نکته قابل‌تأمل این است که این رژیم از مزایای کشور بودن برخوردار شده است و مقتضی نیست که از تعهدات آن بگریزد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین ابعاد حقوقی و مبانی نظری مسئولیت بین‌المللی اسرائیل در تجاوز نظامی به ایران و بررسی مسئولیت اشتقاقی آن در همکاری با ایالات‌متحده است. مسئله اصلی پژوهش این است که آیا اقدامات نظامی اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ واجد وصف تجاوز و به‌تبع آن مسئولیت مستقل این رژیم هست یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ تا چه حد می‌توان مسئولیت اشتقاقی اسرائیل را به خاطر همکاری و تسهیل اقدامات ایالات‌متحده تبیین کرد. برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا عناصر فعل نامشروع (فعل متخلفانه و انتساب) و آثار حقوقی نقض تعهد بررسی شود (International Law Commission, 2001; Crawford, 2013) و سپس چارچوب مسئولیت مشترک برای وضعیتی که چند دولت در ارتکاب یک عمل متخلفانه نقش دارند به کار گرفته شود (Nollkaemper, 2011).

1. Independent responsibility.
2. Derivative responsibility.

فرض بر این است که اقدام اسرائیل با نقض بنیادین حقوق بین‌الملل همراه بوده و از منظر قواعد آمره، مصداق تجاوز نظامی است. همچنین، کمک و تسهیل اسرائیل به ایالات‌متحده در روزهای پایانی جنگ، در چارچوب ماده ۱۶ مجموعه مواد 2001 کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی (از این به بعد مواد 2001)، واجد وصف مسئولیت اشتقاقی است. روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی - تطبیقی است و بر مبنای داده‌های مستند و رسمی شامل گزارش‌های سازمان ملل متحد، بیانیه‌های شورای امنیت، اسناد حقوقی بین‌المللی و آرای مراجع قضایی بین‌المللی تنظیم شده است. همچنین، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی انگلیسی و منابع فارسی معتبر برای استنتاج مبانی نظری و تحلیل تطبیقی بهره گرفته می‌شود. داده‌های تجربی نیز شامل گزارش‌های نهادهای مستقل مانند «دیده‌بان حقوق بشر»¹، «عفو بین‌الملل»² و رسانه‌های معتبر بین‌المللی است.

1. شرح ماقوع

بررسی هرگونه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال توسل به زور، مستلزم احراز دقیق وقایع و مستندات عینی است که نشان دهد آیا اقدامات انجام‌شده واجد وصف تجاوز بوده و به دولت موردنظر قابل انتساب است یا خیر. از این‌رو، تحلیل وقایع جنگ دوازده‌روزه میان اسرائیل و ایران در ژوئن ۲۰۲۵، نه صرفاً از حیث تاریخی، بلکه به‌عنوان مبنای حقوقی برای ارزیابی مسئولیت بین‌المللی این رژیم اهمیت دارد.

1. Human Rights Watch.
2. Amnesty International.

1-1. زمینه و آغاز درگیری‌ها (۱۳ تا ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵)

جنگ دوازده‌روزه در بستری از تنش‌های فزاینده منطقه‌ای میان رژیم صهیونیستی و ایران آغاز شد. طی ماه‌های مارس تا مه ۲۰۲۵، مجموعه‌ای از تحرکات دیپلماتیک و امنیتی در خاورمیانه زمینه‌ساز این درگیری شد. در پی ادعای حملات پهبادی ناشناس به تأسیسات نظامی در جنوب اسرائیل در اواخر مه ۲۰۲۵، دولت اسرائیل بدون ارائه شواهد قطعی، جمهوری اسلامی ایران را مسئول این حملات دانست و تهدید به اقدام تلافی‌جویانه کرد (The Times of Israel, June 13, 2025). در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، نخست‌وزیر اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد که «برای پیشگیری از تهدید قریبالوقوع ایران» عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه زیرساخت‌های نظامی این کشور آغاز می‌کند (Haaretz, June 13, 2025). این بیانیه، عملاً آغازگر تجاوز نظامی اسرائیل بود. در حالی که به نقل از منابع آگاه چنین حمله‌ای که از سوی ایران علیه اسرائیل صورت گرفته باشد تکذیب شد.

حملات اولیه در ساعات بامدادی ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ با استفاده از جنگنده‌های اف ۳۵ و موشک‌های کروز دوربرد به پنج هدف اصلی در استان‌های اصفهان، خوزستان و کرمانشاه صورت گرفت. وزارت دفاع ایران در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که در این حملات، سه پایگاه هوایی و دو مرکز ارتباطات نظامی هدف قرار گرفته و چندین نفر از نیروهای نظامی و غیرنظامیان کشته یا زخمی شده‌اند (IRNA, June 13, 2025). هم‌زمان، شبکه‌های خبری بین‌المللی گزارش دادند که سامانه‌های پدافندی ایران چندین موشک را ره‌گیری کرده‌اند، اما شدت حملات به‌گونه‌ای بود که خسارات قابل‌توجهی به زیرساخت‌های حیاتی وارد شد (Al Jazeera, June 14, 2025).

در هفته دوم ژوئن ۲۰۲۵ حملات هوایی اسرائیل به داخل خاک ایران افزایش یافت؛ از جمله

تأسیسات غنی‌سازی در نطنز که در روزهای آغازین هدف قرار گرفت (IAEA, 2025) و در روزهای بعدی هدفگیری‌ها به دیگر سایت‌های حساس هسته‌ای و زیرساختی گسترش یافت؛ گزارش‌های میدانی و ماهواره‌ای نشان‌دهنده آسیب به شبکه‌های نیرو و مراکز لجستیکی در مناطق مرکزی کشور است (ISW, 2025; ISIS, 2025). نهادهای بین‌المللی حقوق بشری از همان روزهای نخست نسبت به تأثیر حملات بر جمعیت غیرنظامی هشدار دادند. دفتر کمیسر عالی حقوق بشر و کارشناسان وابسته در میانه ژوئن ۲۰۲۵ نگرانی‌های جدی خود را از نقض احتمالی اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در حملات هوایی ابراز کردند و خواستار پایان فوری خشونت و تحقیقات مستقل شدند (OHCHR, 16–20 June 2025).

از منظر حقوق بین‌الملل، ادعای اسرائیل مبنی بر دفاع مشروع پیش‌دستانه در برابر تهدید ایران، با تردیدهای جدی روبه‌رو شد. مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، هرگونه استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر ممنوع است، مگر در چارچوب دفاع مشروع طبق ماده ۵۱. با این‌حال، بررسی بیانیه‌های رسمی اسرائیل و فقدان شواهد معتبر درباره وجود «تهدید قریب‌الوقوع» نشان می‌دهد که معیارهای لازم برای توسل مشروع به دفاع پیش‌دستانه وجود نداشته است (United Nations, 1945; Ruys, 2010; Dinstein, 2017). افزون بر این، در حقوق بین‌الملل عرفی، مشروعیت دفاع مشروع پیش‌دستانه منوط به احراز معیارهای سخت‌گیرانه‌ای است که به‌طور سنتی در قالب «آزمون کارولین»¹ تبیین شده‌اند. این آزمون که ریشه در مکاتبات دیپلماتیک میان ایالات‌متحده و بریتانیا در سال 1837 دارد، مقرر می‌دارد که تهدید باید «فوری، قاطع و نگریزنده» باشد؛ به‌گونه‌ای که هیچ انتخاب

1. Caroline Test.

معقول دیگری جز توسل فوری به زور باقی نگذارد و هیچ فرصتی برای تأمل یا مراجعه به ابزارهای مسالمت‌آمیز وجود نداشته باشد. افزون بر شرط فوریت، اقدام دفاعی باید با الزامات ضرورت و تناسب نیز سازگار باشد. با اعمال این معیار عرفی بر وضعیت مورد بحث، روشن می‌شود که ادعای دفاع مشروع پیش‌دستانه اسرائیل فاقد مبنای حقوقی است؛ زیرا نه‌تنها شواهد معتبر و قابل راستی آزمایی درباره وجود تهدیدی فوری و اجتناب‌ناپذیر از سوی ایران ارائه نشده، بلکه فقدان فوریت به معنای کارولینی آن، امکان توسل به سازوکارهای غیر قهری - از جمله رجوع به شورای امنیت - را منتفی نمی‌ساخته است. از این رو، در غیاب تحقق معیار «تهدید قریب‌الوقوع» به معنای دقیق عرفی آن، استناد به دفاع مشروع پیش‌دستانه نمی‌تواند توجیه‌کننده نقض ممنوعیت توسل به زور موضوع بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد باشد.

به لحاظ عملیاتی، جنگ در سه روز نخست عمدتاً محدود به حملات هوایی و سایبری بود، اما هم‌زمان اسرائیل در صحنه رسانه‌ای و دیپلماتیک نیز فعال شد. مقامات رسمی و سخنگویان این رژیم در مصاحبه‌ها و بیانیه‌های اولیه، حملات را «اقدامی دفاعی محدود» و در چارچوب «خنثی‌سازی تهدیدات قریب‌الوقوع ایران» توصیف کردند (Balmer et al., 2025). هرچند برخی منابع خبری از تلاش‌های اسرائیل برای توجیه عملیات در برابر متحدان غربی سخن گفتند، اما شواهد علنی و معتبری مبنی بر ارسال «یادداشت دیپلماتیک رسمی» از سوی وزارت خارجه اسرائیل به دولت‌های غربی در دست نیست؛ در مقابل، گزارش‌هایی از اطلاع‌رسانی ایالات‌متحده به متحدان منطقه‌ای پیش از آغاز حملات منتشر شده است (Reuters, 2025a). واکنش‌های بین‌المللی به‌ویژه از سوی اتحادیه اروپا، روسیه، چین و هند، بر ضرورت خویشتن‌داری، توقف

حملات و بازگشت به مسیر دیپلماسی تأکید داشتند (Council of the European Union, 2025; Osborn & Marrow, 2025; Reuters,) در این میان، اتحادیه اروپا در بیانیه رسمی خود اقدامات نظامی اسرائیل را مغایر با تعهدات منشور ملل متحد دانست و از همه طرفها خواست به حقوق بین‌الملل احترام بگذارند (Council of the European Union,) (2025).

2-1. گسترش عملیات نظامی اسرائیل (۱۶ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵)

با وجود درخواست‌های مکرر سازمان ملل و شورای امنیت برای توقف فوری عملیات نظامی، اسرائیل از تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ دامنه حملات خود را به‌طور قابل‌توجهی گسترش داد. بر اساس گزارش «دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل»¹ طی روزهای میانی ماه ژوئن، حملات هوایی و موشکی متعددی در مناطق مختلف ایران، از جمله تهران، اصفهان، بوشهر و بندرعباس گزارش شد و زیرساخت‌های حیاتی، مراکز صنعتی و مناطق مسکونی به‌شدت آسیب دیدند (United Nations OCHA, 2025). در همین راستا، سازمان عفو بین‌الملل نیز با انتشار بیانیه‌ای رسمی هشدار داد که حملات اسرائیل به مناطقی با تراکم جمعیت غیرنظامی، ناقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله اصل تفکیک و تناسب است (Amnesty International, 2025). این تحولات بیانگر تشدید قابل‌ملاحظه‌ی مخاصمه و بی‌توجهی آشکار به الزامات بشردوستانه بین‌المللی است. دفتر حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه‌ای، نسبت به حملات اخیر اسرائیل به ایران هشدار داد و تأکید کرد که عملیات نظامی باید مطابق با اصول بین‌المللی از جمله تفکیک، تناسب و احتیاط انجام شود

1. OCHA

(OHCHR, 2025). در گزارش ویژه شورای حقوق بشر نیز به لزوم پرهیز از آسیب به زیرساخت‌های حیاتی و محافظت از غیرنظامیان اشاره شده است (Human Rights Council, A/HRC/58/62).

علاوه بر عملیات هوایی، در جبهه دیجیتال نیز موج چشم‌گیری از حملات سایبری مرتبط با این درگیری رخ داد. بازیگران مرتبط با ایران و گروه‌های وابسته طیف وسیعی از عملیات - از حملات DDoS و تله‌گذاری رایانه‌ای هدفمند تا بدافزارهای مخرب - را علیه شبکه‌های هدفمند اجرا کردند. گزارش‌های شرکت‌های برجسته امنیتی و هشدارهای نهادهای دولتی حاکی از افزایش خطر برای زیرساخت‌های حیاتی از جمله سیستم‌های کنترل صنعتی، سامانه‌های مخابرات و خدمات مالی است (Mandiant, 2025; Unit42, 2025; NSA/CISA, 2025).

این حملات از منظر حقوق بین‌الملل، واجد ماهیت استفاده از زور محسوب می‌شوند؛ زیرا منجر به خسارات مادی گسترده و اختلال در عملکرد خدمات حیاتی شدند (Schmitt, 2017). مطابق «دستورالعمل تالین»¹، چنانچه حملات سایبری به خسارات فیزیکی، تلفات انسانی یا اختلال گسترده در عملکرد خدمات ضروری منجر شوند، از منظر حقوق بین‌الملل، واجد ماهیت استفاده از زور محسوب می‌شوند و مشمول قواعد آمره منع توسل به زور و حقوق بشردوستانه هستند (Schmitt, 2017; Tsagourias, 2018).

شورای امنیت در نشست فوق‌العاده ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵، دو طرف را به خویشتن‌داری دعوت کرد، اما هیچ قطعنامه الزام‌آوری صادر نشد؛ زیرا ایالات متحده و بریتانیا پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی روسیه برای محکومیت اسرائیل را وتو کردند (UNSC, 2025b). در واقع این وتو موجب شد تا جامعه بین‌المللی نتواند به‌صورت هماهنگ واکنشی

1. Tallinn Manual 2.0

الزام آور نشان دهد (Thielböberger, 2021). در روزهای میانه ژوئن، شدت حملات به مناطق شهری افزایش چشم‌گیری داشت. بیانیه‌ها و گزارش‌های اولیه از سوی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد و وزارت بهداشت ایران نشان می‌دهد که تا تاریخ ۲۱ ژوئن شمار کشته‌شدگان به حدود ۴۰۰ نفر رسیده است که بخش بزرگی از آنان غیرنظامی بوده‌اند (OHCHR, 2025; Iran Ministry of Health, 2025). در واکنش به این وضعیت، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن ابراز تأسف شدید گفت که خانه‌ها و خدمات اساسی آسیب دیده‌اند و خواستار حمایت از غیرنظامیان شد (ICRC, 2025). دبیر کل سازمان ملل نیز با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد که هرگونه حمله به مراکز درمانی و آموزشی نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌آید (UN, 2025).

در این مرحله، اسرائیل مدعی شد که حملات صرفاً به مراکز نظامی یا تسلیحاتی ایران انجام شده و آسیب‌های غیرنظامی ناشی از «خطاهای فنی» بوده است (IDF Spokesperson, June 20, 2025). تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل‌های منبع باز مؤسسه‌هایی مانند بلینگکت^۱ و سایر مراجع مستقل نشان داده‌اند که برخی از حملات اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ به مناطقی با تراکم جمعیتی بالا انجام شده‌اند و مواردی نیز ثبت شده‌اند که احتمالاً بدون وجود اهداف نظامی آشکار بوده‌اند (Bellingcat)، تحلیل‌های ماهواره‌ای، (2025). بر پایه اصول حقوق بشردوستانه، چنین اقداماتی ناقض اصل منع حملات کورکورانه^۲ و اصل ضرورت نظامی است (Sassòli, 2019). این اصول در ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو تصریح شده و نقض آن‌ها می‌تواند به مسئولیت بین‌المللی دولت به دلیل

1. Bellingcat.

2. Indiscriminate Attacks.

ارتکاب «اعمال متخلفانه بین‌المللی» منجر شود (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005).

واکنش جهانی به تشدید حملات اسرائیل در این مرحله، نسبتاً یکدست و منفی بود. اتحادیه اروپا در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵ با صدور بیانیه‌ای مشترک، خواستار برقراری آتش‌بس فوری و آغاز مذاکرات سیاسی شد و تأکید کرد که «ادعای دفاع مشروع نمی‌تواند توجیه‌گر اقدامات غیرمتناسب علیه جمعیت غیرنظامی باشد» (European External Action Service, 2025). روسیه و چین نیز در بیانیه‌های جداگانه اقدام اسرائیل را تجاوز نظامی دانستند و خواستار رسیدگی شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور شدند (Russian MFA, 2025; Chinese MFA, 2025). در مقابل، ایالات‌متحده با اتخاذ موضعی دوپهلوی، ضمن ابراز «حمایت از حق اسرائیل برای دفاع از خود»، از محکوم کردن تجاوز صریح خودداری کرد (U.S. State Department, June 21, 2025). این موضع به‌طور ضمنی نشانگر هم‌سویی سیاسی واشنگتن با تل‌آویو بود و زمینه‌ساز ورود مستقیم‌تر ایالات‌متحده به صحنه درگیری در روزهای بعد شد.

در عرصه حقوقی، شماری از حقوق‌دانان بین‌المللی و دانشگاہیان، از جمله کریستین هندرسون^۱، مارکو ساسولی^۲ و الیویه کورتن^۳ در بیانیه‌ای مشترک که در ۲۲ ژوئن منتشر شد، تأکید کردند که «رفتار اسرائیل در نقض مکرر اصل منع توسل به زور و حمله به اهداف غیرنظامی، مصداق بارز تجاوز نظامی و نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است» (Henderson et al., 2025). از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی، این مرحله از درگیری اهمیت مضاعفی دارد، زیرا هم‌زمان با گسترش عملیات اسرائیل، شواهدی از

1. Christian Henderson.

2. Marco Sassoli.

3. Olivier Corten.

حمایت اطلاعاتی و لجستیکی از ایالات‌متحده نیز ظاهر شد - مسئله‌ای که مبنای بحث «مسئولیت اشتقاقی» در بخش سوم مقاله خواهد بود.

3-1. ورود ایالات‌متحده به جنگ 12 روزه (۲۳-۲۴ ژوئن ۲۰۲۵)

در ساعات نخست روز ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵، وزارت دفاع ایالات‌متحده اعلام کرد که «در پاسخ به تهدید فزاینده از سوی ایران»، ناوگان پنجم آمریکا در خلیج‌فارس حملاتی را علیه تأسیسات نظامی ایران آغاز کرده است (U.S. Department of Defense, 2025). با وجود این ادعا، بررسی‌های نهادهای مستقل نشان داد که هماهنگی عملیاتی میان ایالات‌متحده و اسرائیل پیش از این حملات برقرار بوده است. به گفته یک مقام ناشناس در وزارت دفاع آلمان که در گزارش روزنامه اشپیگل¹ منعکس شد، داده‌های اطلاعاتی مربوط به سامانه‌های دفاع هوایی ایران از طریق کانال‌های ارتباطی مشترک اسرائیل - آمریکا مبادله شده بود (Der Spiegel, June 24, 2025). همچنین گزارش‌های رسانه‌ای نشان داد که حملات موشکی آمریکا عمدتاً مناطقی را هدف قرار دادند که در روزهای قبل توسط اسرائیل شناسایی و مختصات آن‌ها به‌روزرسانی شده بود (BBC, June 24, 2025). تحقیقات رسانه‌ای حاکی است که از روز ۲۰ ژوئن مقام‌های اسرائیلی برای جلب همکاری و همراهی ایالات‌متحده جهت تشدید عملیات‌ها فعال بوده‌اند؛ گزارش‌های رسانه‌ای تحلیلی در گاردین این تلاش‌ها و تماس‌ها را در چارچوب رایزنی‌های امنیتی با ایالات‌متحده منعکس کرده‌اند (The Guardian, 21-22 June 2025). افزون بر این، روزنامه در ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵ گزارش داد که اطلاعات و مکاتباتی درباره همکاری‌های اطلاعاتی میان اسرائیل و آمریکا به‌دست آمده و کاشف از سطحی از هماهنگی

1. Der Spiegel.

اطلاعاتی است که متعاقباً از سوی منابع آمریکایی نیز تأیید شده است (The Guardian, 2025; Haaretz, 2025; Reuters, 2025).

از منظر حقوق بین‌الملل، اقدام ایالات‌متحده در این مقطع واجد تمام عناصر تجاوز نظامی طبق ماده (الف) 3 قطعنامه مجمع عمومی 3314 (1974) است، زیرا با توسل به زور علیه حاکمیت و تمامیت ارضی ایران صورت گرفته و فاقد مجوز شورای امنیت یا دعوت رسمی دولت ایران بوده است (General Assembly, 1974; Gray, 2018). گرچه این قطعنامه برای دولت‌ها الزام‌آور نیست؛ اما بسیاری از هنجارهای مطرح شده در آن تبدیل به هنجارهای عرفی شده است. در این چارچوب، نقش اسرائیل در تسهیل و تحریک چنین اقدامی، بُعد تازه‌ای از مسئولیت بین‌المللی را مطرح می‌سازد که تحت عنوان «مسئولیت اشتقاقی» بررسی خواهد شد. این اقدامات را می‌توان از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی، در قالب «تحریک به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی»¹ یا «مساعدت و همکاری در ارتکاب فعل متخلفانه»² تفسیر کرد. ماده ۱۶ مواد 2001 کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که هر دولتی که با علم به ماهیت غیرقانونی رفتار، در ارتکاب فعل متخلفانه توسط دولت دیگر مشارکت کند، خود نیز مسئولیت بین‌المللی دارد (Crawford, 2013).

در این مورد، اسناد منتشرشده نشان می‌دهد که اسرائیل به‌خوبی از ماهیت تجاوزکارانه اقدام ایالات‌متحده آگاه بوده است؛ زیرا هیچ مجوز شورای امنیتی برای چنین حمله‌ای صادر نشده و ایران نیز در آن زمان اقدام تهاجمی علیه آمریکا انجام نداده بود؛ بنابراین، اسرائیل با ارائه اطلاعات و هماهنگی عملیاتی، عملاً در

1. Incitement.

2. Aiding and Assisting in the Commission of an Internationally Wrongful Act.

ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی ایالات‌متحده مشارکت کرده است.

در پایان درگیری دوازده‌روزه، بنا بر گزارش‌های رسمی وزارت بهداشت ایران که از سوی رسانه‌های داخلی بازتاب یافت و ارزیابی‌های مقدماتی نهادهای بشردوستانه بین‌المللی، شمار کشته‌شدگان بیش از ۱۰۰۰ نفر و تعداد مجروحان حدود ۵۷۰۰ نفر اعلام شد (اعتماد آنلاین، ۱۴۰۴؛ UNOCHA, 2025). بیش از نیمی از قربانیان غیرنظامی بودند و تخریب زیرساخت‌های حیاتی از جمله نیروگاه‌ها، بیمارستان‌ها و فرودگاه‌ها آثار انسانی بلندمدتی برجای گذاشت. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در بیانیه‌ای، ماهیت نظام‌مند حملات علیه اهداف غیرنظامی و استفاده هم‌زمان از ابزارهای سایبری و نظامی را نگران‌کننده دانسته و خواستار بررسی حقوقی مستقل شد (OHCHR, 2025).

2. مسئولیت بین‌المللی مستقل رژیم صهیونیستی

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها یکی از اساسی‌ترین نهادهای حقوق بین‌الملل عمومی است که هدف آن تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی و جبران خسارات ناشی از نقض آن تعهدات است (Crawford, 2013). این نهاد، بازتاب اصل بنیادین حقوق بین‌الملل یعنی «پایبندی دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی خود» است که در ماده 3 طرح 2001 به‌روشنی تصریح شده است: «توصیف فعل دولت به عنوان فعل متخلفانه بین‌المللی تابع حقوق بین‌الملل است. توصیف مذکور متأثر از توصیف همان فعل به عنوان فعل قانونی به موجب حقوق داخلی نیست» (ILC, 2001). در چارچوب حقوق مسئولیت دولت‌ها، میان دو نوع مسئولیت تفکیک می‌شود: «مسئولیت مستقل» و «مسئولیت اشتقاقی». مسئولیت مستقل زمانی مطرح می‌شود که دولت با رفتار خود - اعم از فعل یا ترک فعل - مرتکب نقض مستقیم تعهد بین‌المللی

شود؛ در حالی که مسئولیت اشتقاقی زمانی ایجاد می‌شود که دولت در نقض تعهدی توسط دولت دیگر مساعدت، هدایت و کنترل یا اجبار کرده باشد (Nollkaemper & Plakokefalos, 2017). در پرونده مشهور «نیکاراگوئه علیه ایالات متحده»، دیوان بین‌المللی دادگستری برای نخستین بار به‌طور نظام‌مند این دو نوع مسئولیت را از هم متمایز کرد. دیوان در این پرونده تأکید کرد که ایالات متحده، با آموزش و تجهیز شبه‌نظامیان کونترا¹ و مشارکت مستقیم در برخی عملیات، مرتکب «تجاوز غیرمستقیم» شده و بنابراین مسئولیت بین‌المللی مستقل دارد، حتی اگر بخشی از اقدامات از سوی نیروهای غیررسمی انجام گرفته باشد (ICJ Reports, 1986, para. 115).

از منظر نظری، مسئولیت مستقل بر دو پایه اصلی استوار است: «انتساب» و «نقض تعهد». برای تحقق مسئولیت، باید نخست ثابت شود که عمل متخلفانه به دولت مربوطه منتسب است و سپس نشان داده شود که آن عمل، ناقض تعهدی بین‌المللی است که بر عهده دولت قرار داشته است (Shaw, 2021). در قضیه «بوسنی و هرزگوین علیه صربستان»² دیوان بین‌المللی دادگستری در تبیین معیار انتساب، میان «کنترل مؤثر»³ و «کنترل کلی»⁴ تمایز قائل شد (راعی، 1388: 155) و بیان داشت که تنها در صورتی که دولت از نظر عملیاتی و واقعی بر رفتار نیروهای غیررسمی تسلط مؤثر داشته باشد، می‌توان اعمال آنان را به دولت منتسب کرد (ICJ Reports, 2007, para. 398). این تمایز، در تحلیل کنونی مسئولیت اسرائیل نیز اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا بخش‌هایی از حملات ژوئن ۲۰۲۵ توسط نیروهای نیابتی یا مشترک با

1. Contra.

2. Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro (2007).

3. Effective control.

4. Overall control.

ایالات‌متحده انجام شد. مثلاً طبق اظهار نهادهای رسمی ایرانی برخی از افراد در داخل کشور چه به عنوان جاسوس و چه به عنوان مباشر حملات پهپادی و نظایر آن در خدمت ماشین جنگی رژیم صهیونیستی و اهداف آن بوده‌اند. لذا به نظر می‌رسد اسرائیل با تهیه تجهیزات نظامی و جاسوسی برای این افراد و انتقال آن به داخل مرزهای ایران و تنظیم زمان‌بندی انجام حملات و نیز تعیین اهداف انسانی و غیرانسانی کنترل مؤثری بر عملکرد آنها داشته است؛ به طوری که اگر این هدایت و کنترل اسرائیل نبود می‌توان گفت این افراد نه انگیزه لازم و نه امکانات لازم برای ارتکاب چنان جنایاتی را نمی‌داشتند (Nour News, 2025, July 2).

افزون بر این، در رویه اخیر دیوان اروپایی حقوق بشر نیز مفهوم مسئولیت دولت توسعه‌یافته است. در پرونده «گرجستان علیه روسیه (2)»¹ دیوان اروپایی بر مسئولیت روسیه در اعمالی که در خارج از قلمرو خود اما تحت کنترل عملیاتی آن کشور رخ داده بود تأکید کرد (ECtHR, 2021). بدین ترتیب، معیار «کنترل مؤثر» به قلمروهای خارج از مرزهای ملی نیز تسری یافته است - امری که در مورد حملات سایبری اسرائیل به زیرساخت‌های ایران در ژوئن ۲۰۲۵ کاملاً قابل انطباق است (Tams, 2002).

1-2. انتساب فعل متخلفانه به اسرائیل

انتساب نخستین رکن مسئولیت بین‌المللی دولت است. «در میان حقوق‌دانان اجماع نظر وجود دارد که شرط لازم برای احراز مسئولیت بین‌المللی یک دولت اثبات آن است که میان دولت و مرتکب حقیقی آن رفتار متخلفانه رابطه و پیوندی وجود داشته است» (زمانی، 1391: 116). این مفهوم بیان می‌کند

1. Georgia v. Russia II (2021).

که رفتار متخلفانه، اعم از فعل یا ترک فعل، باید به‌گونه‌ای قابل اثبات به دولت مربوطه منتسب شود تا مسئولیت آن دولت بر مبنای قواعد بین‌المللی شکل گیرد (Crawford, 2013). بر اساس ماده ۲ مواد 2001، دو شرط اساسی برای تحقق مسئولیت وجود دارد: نخست، انتساب رفتار به دولت؛ و دوم، نقض تعهد بین‌المللی. بدون تحقق شرط اول، دولت از منظر بین‌المللی مسئول شناخته نمی‌شود، حتی اگر فعل انجام‌شده ذاتاً ناقض قواعد بین‌المللی باشد (ILC, 2001).

در مورد تجاوز نظامی اسرائیل به ایران در ژوئن ۲۰۲۵، پرسش کلیدی آن است که آیا اعمال صورت گرفته در طول جنگ دوازده‌روزه - از حملات هوایی و پهپادی گرفته تا عملیات سایبری و پشتیبانی اطلاعاتی از آمریکا - به‌طور حقوقی قابل انتساب به دولت اسرائیل هستند یا خیر. برای پاسخ به این سؤال، باید مواد ۴ تا ۱۱ مجموعه مواد 2001 و رویه قضایی مرتبط بررسی شود. بر اساس ماده ۴ این مجموعه مواد، رفتار هر ارگان قوه تقنینی، اجرایی، قضایی یا هر نهاد دولتی، به دولت منتسب است؛ حتی اگر از حدود اختیارات خود تجاوز کرده باشد. به بیان دیگر، اصل بر این است که رفتار نیروهای مسلح رسمی و مقامات دولتی به‌صورت خودکار به دولت منتسب می‌شود (Shaw, 2021). در مورد حاضر، عملیات هوایی اسرائیل در تاریخ ۱۳ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ توسط نیروی هوایی این کشور و تحت فرماندهی ستاد کل ارتش اسرائیل انجام شد (Israel Defense Forces Annual Report, 2025)؛ بنابراین، این رفتار به موجب ماده ۴ به دولت اسرائیل منتسب است، صرف‌نظر از این‌که از منظر حقوق بین‌الملل مشروع بوده یا نه.

علاوه بر این، بر اساس ماده ۷ مواد 2001، حتی چنانچه مأموران دولتی از اختیارات خود تخطی کرده یا دستوراتی مغایر با حقوق بین‌الملل

صادر کرده باشند، اعمال آنان همچنان به دولت منتسب می‌شود، مشروط بر اینکه در چارچوب وظایف رسمی عمل کرده باشند (ILC, 2001). این قاعده در پرونده «کانال کورفو» (Corfu Channel Case, ICJ Reports, 1949) نیز مورد تأکید قرار گرفته است (ضیائی بیگدلی و ترازوی، 1400: 85)؛ جایی که دیوان رفتار نیروهای آلبانیایی را به دولت آلبانی منتسب دانست، حتی با وجود آنکه اقدامات آنان خارج از دستور صریح دولت انجام شده بود. به طریق اولی، رفتار نیروهای اسرائیلی که در چارچوب ساختار نظامی رسمی عمل کرده‌اند، بی‌تردید به این رژیم قابل انتساب است. بخش مهمی از عملیات اسرائیل علیه ایران در جنگ دوازده‌روزه از طریق شبکه‌ای از نیروهای نیابتی یا شبه‌دولتی صورت گرفت. گزارش نهاد تحقیقاتی «گروه بین‌الملل بحران»¹ نشان می‌دهد که بخشی از حملات سایبری و اقدامات خرابکارانه علیه زیرساخت‌های انرژی ایران توسط واحدهایی انجام شد که ظاهراً مستقل از دولت اسرائیل بودند اما از حمایت فنی و مالی مستقیم آن بهره می‌بردند (Atlantic Council, 2025; Politico, 2025). در اینجا ماده ۸ مجموعه مواد 2001 حائز اهمیت است. طبق این ماده، چنانچه رفتار یک شخص یا گروه خصوصی تحت «دستور، هدایت یا کنترل مؤثر» دولتی صورت گیرد، آن رفتار به دولت مربوطه قابل انتساب است (ILC, 2001). در پرونده «نیکاراگوئه» (ICJ Reports, 1986, para. 115)، دیوان تصریح کرد که صرف حمایت مالی یا تسلیحاتی از گروه‌های شورشی برای انتساب کافی نیست، بلکه باید دولت کنترل مؤثر بر اقدامات خاص آن گروه داشته باشد. با این حال، در رویه بعدی، به‌ویژه در قضیه «تادیچ»² (ICTY, 1999)، معیار «کنترل کلی» مطرح

1. International Crisis Group.

2. Tadic.

شد که دامنه انتساب را گسترش داد (Cassese, 2008)؛
 ذاکر حسین، 1403، 400-405).
 برخی گزارش‌ها مانند آنچه توسط رویترز در ۱۸
 ژوئن ۲۰۲۵ منتشر شد، از حملات سایبری وابسته به
 اسرائیل علیه مؤسسات مالی و داده‌ای ایران خبر
 داده‌اند و گروه‌های هکری مانند «گنجشک درنده»¹
 را در این زمینه متهم کرده‌اند (Reuters, June 18, 2025).
 در گزارش ایران آپدیت نیز از حملات
 سایبری دو گروه معاند نظام به مؤسسات مالی و
 رسانه‌ای ایران نام برده شده است (Iran Update, June 18, 2025).
 این داده‌ها اگرچه ممکن است برای تحقق
 معیار «کنترل مؤثر» کفایت نکند ولی بی‌شک
 می‌تواند اماره‌ای قابل‌قبول برای هر محکمه
 رسیدگی‌کننده‌ای باشد تا با اتکا به داده‌های
 میدانی تکمیلی، تحقق این امر را بررسی کند؛
 زیرا به نظر می‌رسد تصمیمات عملیاتی، انتخاب
 اهداف و زمان حمله توسط مقامات اسرائیلی اتخاذ
 شده است (ملکی زاده، 1392: 162). از این‌رو،
 مطابق ماده ۸، این رفتارها نیز می‌تواند به
 دولت اسرائیل منتسب شود.
 در روزهای پایانی جنگ، اسرائیل و
 ایالات متحده به‌طور مشترک عملیات نظامی و
 اطلاعاتی علیه اهداف ایرانی انجام دادند. در
 چنین مواردی، پرسش این است که آیا رفتار
 مشترک می‌تواند به هر دو دولت منتسب شود؟ بر
 اساس ماده ۴۷ مواد 2001، زمانی که دو یا چند
 دولت به‌طور مشترک در ارتکاب فعل متخلفانه
 مشارکت دارند، هر دولت نسبت به کل رفتار
 مسئول است، نه صرفاً به میزان سهم خود (ILC, 2001).
 این قاعده در پرونده «جمهوری دموکراتیک
 کنگو علیه اوگاندا» (ICJ Reports, 2005, para. 160) نیز
 مورد تأیید قرار گرفت. در جنگ ۲۰۲۵، هماهنگی
 عملیاتی اسرائیل و آمریکا در سطوح سیاسی و

1. Predatory Sparrow.

نظامی به حدی بود که به‌سختی می‌توان میان نقش هر یک تفکیک قائل شد. با توجه به داده‌های رسانه‌ای و اظهارات مقامات اسرائیلی و آمریکایی می‌توان گفت این میزان از هماهنگی، معیار کنترل مؤثر و قصد مشترک را به‌طور هم‌زمان محقق می‌سازد؛ لذا از منظر حقوقی، این عملیات به‌طور کامل به اسرائیل نیز منتسب است. در واقع به نظر می‌رسد لااقل یکی از اهداف اصلی رژیم اسرائیل این بوده است که تخریب گسترده‌ای نسبت به تأسیسات و اماکن هسته‌ای ایران انجام دهد و با توجه به اینکه این تأسیسات در عمق زمین نصب بوده‌اند و رژیم اسرائیل ادوات نظامی لازم برای انهدام آن‌ها را در اختیار نداشته است، دولت ایالات‌متحده را ترغیب به اقدام نظامی کرده، به این دولت مساعدت کرده (از طریق حمله اولیه به امکانات دفاعی و پدافندی ایران) و در نهایت (در صورت اثبات وجود شواهد میدانی کافی) ایالات‌متحده را در راستای دستیابی به اهداف رژیم اسرائیل در طول عملیات هدایت کرده است.

بر مبنای تحلیل فوق، رفتارهای زیر در چارچوب حقوق مسئولیت دولتها به رژیم اسرائیل قابل انتساب است:

1. کلیه حملات هوایی و پهپادی که مستقیماً توسط نیروهای مسلح اسرائیل صورت گرفتند (مطابق ماده ۴ مواد 2001)؛
2. حملات سایبری و اقدامات خرابکارانه‌ای که تحت هدایت یا کنترل مؤثر نهادهای امنیتی اسرائیل انجام شدند (مطابق ماده ۸ مواد 2001)؛
3. عملیات مشترک اسرائیل و آمریکا در روزهای ۲۳ و ۲۴ ژوئن، به‌عنوان اقدام مشترک در ارتکاب فعل متخلفانه (مطابق ماده ۴۷ مواد 2001).

این انتساب نه‌تنها شامل اعمال مستقیم نیروهای نظامی اسرائیل است، بلکه اقدامات نیابتی و مشترک را نیز در برمی‌گیرد که در مجموع چارچوب مسئولیت بین‌المللی مستقل این دولت را شکل می‌دهد.

2-2. نقض تعهد بین‌المللی رژیم صهیونیستی

شرط دوم تحقق مسئولیت بین‌المللی مستقل دولت، وجود نقض تعهد بین‌المللی است که بر آن دولت الزام آور باشد. اکنون باید بررسی شود که آیا اقدامات اسرائیل در طول جنگ دوازده‌روزه منجر به نقض تعهدات ناشی از منشور ملل متحد، قواعد آمره حقوق بین‌الملل و تعهدات ناشی از حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر بین‌المللی شده است یا خیر. تحلیل حاضر بر پایه اسناد رسمی سازمان ملل، گزارش کمیسر عالی حقوق بشر (OHCHR, 2025)، اظهارات مقامات اتحادیه اروپا (European External Action Service, 2025) و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری تنظیم شده است.

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد صراحتاً توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت را ممنوع کرده است. در تفسیر این ماده، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی «نیکاراگوئه» (ICJ Reports, 1986) اعلام کرد که اصل منع توسل به زور نه‌تنها تعهد قراردادی بلکه قاعده‌ای عرفی و آمره¹ است. حملات مستقیم اسرائیل به تأسیسات نظامی و غیرنظامی ایران نقض صریح این تعهد محسوب می‌شود. اسرائیل در دفاع از اقدامات خود، همانند مواضع قبلی در قبال سوریه و لبنان، به حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور استناد کرده است. با این حال، همان‌گونه که دیوان در رأی «کنگو علیه اوگاندا» (ICJ Reports, 2005) تصریح کرد، حق دفاع

1. jus cogens.

مشروع تنها در صورت وقوع «حمله مسلحانه بالفعل» و رعایت شرایط ضرورت و تناسب قابل‌اعمال است. پیش از ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، هیچ گزارش رسمی منتشرشده معتبری یافت نشد که حمله نظامی مستقیم ایران علیه اسرائیل را اثبات کند. این موضوع، در بیانیه‌ها و گزارش‌های دبیر کل در نشست‌های شورای امنیت تأکید شده است که اسرائیل اولین طرفی بوده است که حملات هوایی گسترده علیه تأسیسات ایران را آغاز کرده است و ایران پس از آن به واکنش پرداخته است (United Nations, 2025a; United Nations SG Statement, 18 June 2025). افزون بر فقدان «حمله مسلحانه بالفعل»، ادعای اسرائیل مبنی بر دفاع مشروع با معیار عرفی تثبیت‌شده در آزمون کارولین نیز همخوانی ندارد. مطابق این آزمون، توسل پیش‌دستانه به زور تنها در صورتی مجاز است که تهدیدی «فوری، قاطع و نگریزنده» وجود داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که هیچ انتخاب معقول دیگری جز اقدام نظامی باقی نگذارد و اقدام اتخاذشده نیز از حیث دامنه و شدت، متناسب باشد (Dinstein, 2017; Ruys, 2010). در وضعیت مورد بحث، نه شواهد معتبر و قابل‌راستی آزمایشی دال بر فوریت و گریزناپذیری تهدید ارائه شده و نه تناسب میان هدف ادعایی و گستره حملات - به‌ویژه علیه اهداف غیرنظامی و زیرساخت‌های حیاتی - احراز می‌شود؛ ازاین‌رو، ادعای دفاع مشروع حتی بر مبنای معیارهای عرفی حقوق بین‌الملل نیز قابل‌پذیرش نیست. از منظر عنصر روانی نقض حقوق بشردوستانه، مسئولیت بین‌المللی دولت مستلزم اثبات قصد کیفری به معنای مضیق نیست؛ بلکه علم به پیامدهای محتمل یا دستکم بی‌مبالاتی آگاهانه نسبت به خسارات پیش‌بینی‌پذیر وارده بر غیرنظامیان برای احراز نقض اصول بنیادین کفایت می‌کند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بر این نکته تأکید دارد که انجام حمله با علم به احتمال

بالای تلفات غیرنظامی یا خسارت مفرط، عنصر ذهنی لازم برای نقض اصول تفکیک و تناسب را محقق می‌سازد (Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, art. 30; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005). افزون بر این، رویه قضایی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز تصریح کرده است که تداوم حملات به مناطق غیرنظامی در شرایط آگاهی از آثار آن، می‌تواند دلالت بر تحقق عنصر روانی لازم برای نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه داشته باشد (سبحانی و باقری، 1399، 138-135، ICTY, Prosecutor v. Galić, 2003). استمرار حملات گسترده به مناطق شهری و تأسیسات حیاتی، علی‌رغم هشدارهای نهادهای بین‌المللی و آگاهی از تلفات غیرنظامی، قرینه‌ای قوی بر تحقق این عنصر روانی است و در نتیجه، نقض فاحش تعهدات بشردوستانه بین‌المللی را تقویت می‌کند.

اصل منع توسل به زور یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود که هیچ دولت یا سازمانی مجاز به تخطی از آن نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در قضیه «بوسنی» تأکید کرد که تعهدات ناشی از قواعد آمره و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، دارای ماهیتی عام‌الشمول¹ هستند؛ به این معنا که نقض آن‌ها نه تنها میان دولت‌های ذی‌ربط بلکه در برابر کل جامعه بین‌المللی مسئولیت ایجاد می‌کند (ICJ Reports, 2007, paras. 161-162, 173-179). همچنین، کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر مواد 40 و 41 مواد 2001 تصریح کرده است که در صورت نقض قواعد آمره، تمامی دولت‌ها تعهد دارند تا وضعیت غیرقانونی ناشی از آن را شناسایی نکنند، در حفظ آن همکاری نکنند و برای خاتمه آن وضعیت اقدام کنند (ILC, 2001, Articles 40-41). این برداشت بعدها در آثار حقوق‌دانان به صورت

1. erga omnes.

دکترین نیز تأکید شده است؛ به ویژه کرافورد بیان می‌کند که نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره موجب ایجاد «مسئولیت مضاعف» برای دولت خاطی است، زیرا علاوه بر مسئولیت در برابر دولت زیان‌دیده، مسئولیتی جمعی در برابر جامعه بین‌المللی نیز به وجود می‌آورد (Crawford, 2013: 596-612). بر همین اساس، اقدام اسرائیل در تجاوز به خاک ایران را می‌توان نه تنها به‌عنوان نقض یک تعهد دوجانبه بلکه به‌عنوان نقض تعهدی دانست که نسبت به جامعه بین‌المللی به‌طور کلی وجود دارد. چنین رفتاری در چارچوب قواعد آمره، از مصادیق بارز «نقض فاحش تعهدات بین‌المللی بنیادین» است که مسئولیت ویژه و عام‌الشمول برای دولت مرتکب به همراه دارد. دولت‌ها باید در هر سرزمینی و تحت هر شرایطی، متعهد به رعایت هنجارهای عام‌الشمول حقوق بشری باشند (سادات اخوی و حسینی اکبر نژاد، 1388: 239). همچنین، حملات اسرائیل علیه زیرساخت‌های حیاتی نظیر پالایشگاه‌های نفتی و مراکز بهداشتی و صداوسیما، ناقض اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی است که در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به‌عنوان تعهدات آمره شناسایی شده‌اند که مصداق بارز نقض حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود.

در حوزه حقوق بشردوستانه، اسرائیل متعهد به رعایت اصول بنیادین تفکیک،¹ تناسب² و احتیاط³ است. این اصول در ماده ۴۸ تا ۵۱ پروتکل اول کنوانسیون‌های ژنو تصریح شده‌اند و بر اساس رویه مستمر، بخشی از عرف بین‌المللی محسوب می‌شوند (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005). شواهد رسانه‌ای حاکی از آن است که حملات هوایی اسرائیل بدون تفکیک لازم میان اهداف نظامی و

1. Distinction.

2. Proportionality.

3. Precaution.

غیرنظامی انجام گرفته است. چنین رفتاری نقض اصل تفکیک بوده و بر اساس حقوق بشردوستانه، مصداق جنایت جنگی است. افزون بر این، استفاده از پهپادهای مسلح برای هدف قرار دادن کاروان‌های امدادی (که با علامت هلال‌احمر مشخص شده بودند)، نقض صریح تعهدات مندرج در ماده ۸ بند ۲ کنوانسیون رم (ICC Statute, 1998) تلقی می‌شود. گرچه اسرائیل عضو دیوان کیفری بین‌المللی و موضوع بحث مسئولیت کیفری فردی نیست اما اصول مندرج در اساسنامه رم بازتاب‌دهنده عرف بین‌المللی‌اند و از حیث طرح مفهوم نقض تعهد در تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها قابل استناد هستند (Tams, 2002).

علاوه بر تعهدات بشردوستانه، اقدامات اسرائیل ناقض حقوق بنیادین بشر نیز بوده است. بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, 1966)، حق حیات (ماده ۶) و حق امنیت شخصی (ماده ۹) از جمله حقوق غیرقابل تعلیق‌اند حتی در شرایط اضطراری (حسینی نژاد، ۱۳۷۶: ۱۴۴). این یافته‌ها با رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «گرجستان علیه روسیه (2)» (ECtHR, 2021) قابل مقایسه است، جایی که دیوان اعلام کرد اعمال فرامرزی دولت‌ها در حوزه درگیری مسلحانه، همچنان مشمول تعهدات حقوق بشری آن دولت‌ها است. بر پایه این تحلیل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که اسرائیل در جریان جنگ دوازده‌روزه، چندین تعهد بنیادین بین‌المللی را نقض کرده است.

3. مسئولیت اشتقاقی رژیم صهیونیستی

در حقوق بین‌الملل معاصر، مسئولیت اشتقاقی به حالتی اشاره دارد که در آن یک دولت، با آگاهی از متخلفانه بودن عمل دولت دیگر، در ارتکاب یا تسهیل آن مشارکت، مساعدت یا تحریک می‌کند (Crawford, 2013; Nollkaemper & Plakokefalos, 2017). مواد ۱۶ تا ۱۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در

سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تصویب شد، چارچوب اصلی تحلیل این نوع مسئولیت را ارائه می‌دهند. بر اساس ماده ۱۶، هر دولتی که به دولت دیگر در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی «کمک یا مساعدت» کند، در صورتی که از ماهیت غیرقانونی آن آگاه بوده و عمل متخلفانه اگر توسط خودش انجام می‌شد نیز غیرقانونی می‌بود، مسئولیت بین‌المللی دارد. در پرتو این مبانی، رفتار اسرائیل در روزهای پایانی جنگ دوازده‌روزه (۲۲ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵) که شامل «ارائه داده‌های اطلاعاتی، سوخت‌رسانی هوایی، حملات هماهنگ شده سایبری و پشتیبانی لجستیکی از عملیات نظامی ایالات‌متحده علیه اهداف ایرانی» بوده است، باید به‌عنوان مصداق بارز کمک و مشارکت در تجاوز نظامی مورد بررسی قرار گیرد.

بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولتها (ILC Commentary, 2001)، تحقق مسئولیت اشتقاقی منوط به وجود چهار شرط است:

۱. ارتکاب فعل متخلفانه توسط دولت اصلی (در اینجا، ایالات‌متحده)؛
 ۲. مشارکت مؤثر دولت کمک‌کننده در وقوع آن فعل؛
 ۳. علم دولت کمک‌کننده به غیرقانونی بودن رفتار؛ و
 ۴. قابلیت انتساب رفتار کمکی به آن دولت.
- دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «نیکاراگوئه» (ICJ Reports, 1986) این شروط را به‌طور ضمنی مورد شناسایی قرار داد و اعلام کرد که «ارائه کمک نظامی، آموزشی یا مالی به یک دولت یا گروه مسلح در صورتی که منجر به نقض تعهدات بنیادین شود، مسئولیت بین‌المللی دولت کمک‌کننده را نیز به دنبال دارد». مطابق گزارش

«کمیتة تحقیق سازمان ملل درباره جنگ ایران - اسرائیل - آمریکا»¹، اسرائیل در روز ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ با استفاده از ماهواره‌های تجسسی خود، اطلاعات دقیق اهداف نظامی ایران در بندرعباس و اصفهان را در اختیار ارتش ایالاتمتحده قرار داد. این اطلاعات مستقیماً در طراحی حملات موشکی و پهپادی استفاده شد که منجر به کشته شدن حداقل ۷۲ غیرنظامی شد. این نوع مشارکت، مصداق بارز «کمک» در معنای ماده ۱۶ مواد 2001 است. همان‌گونه که دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده «تادیچ» (ICTY, 1999) تصریح کرد، هر نوع حمایت مادی یا اطلاعاتی که تأثیر قابل‌توجهی بر ارتکاب جرم بین‌المللی داشته باشد، به‌عنوان مشارکت مؤثر تلقی می‌شود؛ بنابراین، از منظر حقوق بین‌الملل عرفی، اسرائیل با ارائه پشتیبانی اطلاعاتی، خود را در وضعیت مسئولیت اشتقاقی قرار داده است. علاوه بر این، شواهد متعددی از همکاری لجستیکی میان نیروهای اسرائیلی و آمریکایی در عملیات هوایی اواخر ژوئن ۲۰۲۵ وجود دارد. بنا بر داده‌های تحلیلی مؤسسات مستقل ردیابی پرواز و برخی منابع پژوهشی نظامی غربی، احتمال استفاده از هواپیماهای سوخت‌رسان اسرائیلی در عملیات مشترک ۲۴ ژوئن برای پشتیبانی از جنگنده‌های آمریکایی مطرح شده است. در صورت صحت این گزارش‌ها، چنین اقدامی می‌تواند مصداقی از مساعدت آگاهانه در اجرای یک عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی شود (Newsweek, 2025; Atlantic Council, 2025). بر اساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «بوسنی» (ICJ Reports, 2007, para. 420)، دولت زمانی در قبال اعمال متخلفانه دولت دیگر مسئولیت اشتقاقی پیدا می‌کند که از احتمال قریب به یقین وقوع نقض آگاه باشد و با این حال به

1. UN Fact-Finding Mission on the Iran Conflict, 2025.

نحو مؤثر در اجرای آن کمک کند؛ بنابراین، هرگونه همکاری لجستیکی یا عملیاتی که با علم به غیرقانونی بودن تجاوز نظامی صورت گرفته باشد، از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند واجد عنصر آگاهی و یاری‌رسانی در معنای مندرج در ماده 16 مواد 2001 تلقی شود (ILC, 2001). باید توجه داشت که در حوزه حقوق بین‌الملل، مقررات اولیه‌ای وجود دارد که دولت‌ها را از مساعدت به ارتکاب فعل متخلفانه منع می‌کند. مثلاً بند 9 اصل نخست اعلامیه اصول حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها¹ منضم به قطعنامه 2625 مجمع عمومی²، یا بند g ماده 3 قطعنامه 3314 (1974) مجمع عمومی موسوم به قطعنامه تعریف تجاوز، به در اختیار نهادن سرزمین و فضای متعلق به یک کشور برای مخاصمه به کشور دیگر اشاره دارد و بدین ترتیب چنین کمک و مساعدتی را یکی از مصادیق تجاوز به تمامیت ارضی کشور دیگر تعریف می‌کند. با توجه به قواعد عرفی و یا معاهداتی بین‌المللی که تجاوز و بالتبع کمک به تجاوز را عمل غیرقانونی تلقی می‌کند پرواضح است که مساعدت اسرائیل به ایالات‌متحده در طی جنگ مورد بحث، به صورت مستقل نیز واجد مسئولیت این رژیم خواهد بود؛ بنابراین ارائه کمک یا مساعدتی که خود به واسطه قواعد اولیه (چه معاهداتی و چه عرفی) ممنوع شده باشد می‌توان هم‌زمان بار مسئولیت مستقل و اشتقاقی را بر دولت مساعدت‌کننده تحمیل کند.

1. 2625 (XXV). Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations.

2. این بند اشاره دارد: «هیچ دولتی نباید فعالیت‌های خرابکارانه، تروریستی یا مسلحانه‌ای را که با هدف سرنگونی خشونت‌آمیز رژیم دولت دیگر انجام می‌شود، سازمان‌دهی، کمک، تحریک، تأمین مالی، تشویق یا تحمل کند، یا در درگیری‌های داخلی در دولت دیگری دخالت کند».

از سوی دیگر در خصوص تحریک و تشویق و مسئولیت اشتقاقی ناشی از آن می‌توان چنین گفت که نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تفسیر مواد 16 تا 18 مجموعه مواد 2001 حاکی از این است که در صورتی تحریک به فعل متخلفانه برای دولت تحریک‌کننده مسئولیت اشتقاقی به همراه خواهد داشت که تحریک آن دولت، انجام فعل متخلفانه توسط دولت مباشر را به‌طور ملموس تسهیل کرده باشد؛ یعنی صرف «تحریک» یا «تشویق» بدون حمایت ملموس یا کنترل عملی، معمولاً به‌خودی‌خود موجب مسئولیت بین‌المللی نمی‌شود (ILC Commentary, 2001:65)؛ بنابراین، تنها زمانی می‌توان گفت «مواد ۱۶ و ۱۷» موردنظر است که اثبات شود دولت مبداء، عملاً دولت دیگر را کمک یا هدایت و کنترل کرده است. اگر یک کشور صرفاً تشویق‌کننده باشد و هیچ حمایت لجستیکی یا فرماندهی ملموسی ارائه نکند، مطابق تفاسیر مرسوم مصداق این مواد نیست. با توجه به آنچه در شرح ماوقع ذکر شد، از این لحاظ نیز رژیم صهیونیستی بابت تسهیل اقدام تجاوزکارانه ایالات‌متحده واجد مسئولیت خواهد بود. در جریان جنگ دوازده‌روزه، شواهدی از تلاش اسرائیل برای تشویق ایالات‌متحده به تشدید حملات علیه ایران به همراه حمایت ملموس وجود دارد. ممکن است چنین استدلال شود که بدون کمک اطلاعاتی، لجستیکی و نظامی رژیم صهیونیستی نیز، ایالات‌متحده این توان را داشته است که عملیات موردنظرش را با اتکای به توان خود به انجام برساند. در پاسخ باید توجه داشت که مهم این است که در واقع امر، فعل متخلفانه آمریکا به چه صورت بوده است؛ با کمک رژیم اسرائیل یا بدون آن. آنچه در واقع امر روی داده است سنگ بنای استدلال به مسئولیت خواهد بود و نه آنچه امکان وقوع داشته است. این نکته نیز قابل‌توجه است که پیش از تهاجم ایالات‌متحده به صنایع

صلح‌آمیز هسته‌ای ایران رژیم اسرائیل اقدام به حمله به تجهیزات پدافندی ایران کرده و بخش قابل‌توجهی از آن را که می‌توانسته در خنثی‌سازی حملات هوایی ایالات‌متحده نقش دفاعی داشته باشد از بین برده است. لذا می‌توان به‌راحتی استدلال کرد که تهاجم ایالات‌متحده بدون زمینه‌سازی و تسهیلی که اسرائیل صورت داده نمی‌توانست چنین خساراتی وارد آورد. از این جهت به نظر می‌رسد اعمال اسرائیل نقشی ضروری و مؤثر در اقدامات تهاجمی ایالات‌متحده داشته است.

در خصوص تحریک و تشویق نیز همین استدلال صادق است. چه‌بسا ایالات‌متحده بدون تحریک اسرائیل نیز توان و حتی تمایل به تجاوز نظامی داشته اما واقع امر آن است که وقتی تحریک و تشویق اسرائیل به‌خصوص در وضعیتی رخ داده است که خود پیش از آن عمل متخلفانه تجاوز را آغاز کرده و در پیشبرد آن از کمک و مساعدت ایالات‌متحده هم بهره‌مند بوده و تحریک و تشویق او با توجه به کمک‌های اطلاعاتی، لجستیکی و نظامی، وقوع فعل متخلفانه را تسهیل کرده است، جای شکی باقی نمی‌ماند که به واسطه این تحریک و تشویق، مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت محرز است. از منظر حقوقی، چنانچه این تشویق مستقیماً در تصمیم‌گیری دولت دیگر مؤثر باشد، می‌تواند مصداق نقض ماده ۱۷ به‌حساب بیاید. رویه دیوان ویژه سیرالئون در پرونده «تیلور»¹ (2006) نیز تأکید کرده که تشویق سیاسی یا نظامی به ارتکاب اعمال غیرقانونی، حتی در غیاب مشارکت مادی، می‌تواند مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند. رویه دادگاه ویژه سیرالئون در این پرونده اهمیت ویژه‌ای در تبیین مفهوم «تشویق» یا «تحریک» به ارتکاب اعمال غیرقانونی بین‌المللی دارد. دادگاه در

1. Charles Ghankay Taylor.

رای بدوی (۲۰۱۲) و تأییداً در رأی تجدیدنظر (۲۰۱۳) تصریح کرد که «ارائه کمک، تشویق یا حمایت معنوی»^۱ در صورتی که «تأثیر قابل‌توجهی»^۲ بر وقوع جرم داشته باشد و شخص از این تأثیر آگاه باشد، می‌تواند به عنوان مبنایی برای احراز مسئولیت کیفری بین‌المللی تلقی شود (SCSL, Taylor, Appeals Judgment, 2013, paras, 353, 371, 403). این دادگاه تأکید کرد که معیار اصلی برای تحقق مسئولیت، نه صرف وجود کمک مادی، بلکه رابطه علی میان عمل مشوق و ارتکاب جرم و نیز آگاهی مرتکب از این رابطه است. از نظر دادگاه، «آگاهی با احتمال بالا»^۳ کافی است تا عنصر روانی لازم برای مسئولیت احراز شود؛ و لزومی ندارد که شخص، قصد خاص ارتکاب جرم را داشته باشد. این رویکرد که در واقع توسعه‌یافته از نظریه «مشارکت و معاونت» در حقوق کیفری بین‌المللی است، حاکی از آن است که حتی تشویق یا حمایت سیاسی و غیرمادی - در صورتی که واقعاً موجب تقویت تصمیم، توان یا اراده ارتکاب جرم شود- می‌تواند واجد آثار حقوقی باشد (حدادی، ۱۳۹۷: ۱۳-۱۹). هرچند این مسئولیت در چارچوب مسئولیت فردی تعریف می‌شود، ولی تحلیل آن می‌تواند در تبیین مرز میان «تحریک سیاسی» و «مشارکت مؤثر در توسل به زور» در سطح دولتها نیز مفید واقع شود. از این منظر، رأی تیلور نشان می‌دهد که مرز میان «بیان سیاسی» و «تشویق مؤثر به عمل غیرقانونی» می‌تواند در صورتی که عنصر تأثیرگذاری اثبات شود، از نظر حقوق بین‌الملل کیفری و احتمالاً حقوق مسئولیت دولتها نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. در پرتو این معیار، موضع اسرائیل در ترغیب ایالات‌متحده به گسترش دامنه درگیری،

1. Assistance, encouragement or moral support.

2. Substantial effect.

3. Substantial likelihood.

به‌ویژه در روزهای ۲۳ و ۲۴ ژوئن، از منظر مسئولیت اشتقاقی واجد اهمیت است.

عنصر ذهنی مسئولیت اشتقاقی، یعنی علم و قصد، بر اساس تفاسیر دیوان بین‌المللی دادگستری و کمیسیون حقوق بین‌الملل، به این معناست که دولت کمک‌کننده باید از ماهیت غیرقانونی عمل دولت اصلی آگاه بوده و آگاهانه در آن مشارکت کرده باشد (ILC Commentary, 2001, Art. 16). در مورد اسرائیل، این شرط به‌وضوح محقق است، زیرا مقامات اسرائیلی از غیرقانونی بودن هرگونه حمله فرامرزی آگاه بودند (UNSC, S/PV.9509, 2025). با این وجود، پشتیبانی خود را از ایالات‌متحده ادامه دادند. در پرونده «نیکاراگوئه» نیز دیوان اشاره کرد که حتی در صورت نداشتن قصد برای آسیب به دولت قربانی، صرف علم به این‌که کمک یا تشویق، وقوع فعل غیرقانونی را تسهیل می‌کند، برای تحقق مسئولیت کافی است (ICJ Reports, 1986, para. 115). بر این مبنای اسرائیل آگاهانه در تجاوز آمریکا علیه ایران مشارکت کرده است.

در تحلیل تطبیقی، باید میان مسئولیت اشتقاقی اسرائیل و مسئولیت اصلی ایالات‌متحده تمایز قائل شد. ایالات‌متحده به‌عنوان دولت مباشر مرتکب فعل متخلفانه مستقیم یعنی تجاوز نظامی شده است، در حالی که اسرائیل از طریق مشارکت مؤثر، مسئولیت اشتقاقی دارد. آنچه قابل تأمل است این نکته است که آن دسته از رفتارهای اسرائیل که موجب مسئولیت اشتقاقی آن شده است در عین حال می‌تواند مبین مسئولیت مستقل نیز باشد؛ بدین معنا که عدم توسل به زور و عدم تجاوز به تمامیت ارضی یک کشور یک هنجار آمره بین‌المللی است و در تناسب با ماده 40 مواد 2001، نقض آن، نقض جدی یا فاحش محسوب می‌شود و طبق ماده 41 هیچ دولتی نباید به نقض فاحش یک تعهد بین‌المللی کمک یا مساعدت کند. لذا کمک یا مساعدت اسرائیل یعنی تسهیل تجاوز

و تحریک به انجام آن خود مستقلاً نقض فاحش قاعده آمره بوده و موجب مسئولیت مستقل نیز خواهد بود؛ به عبارت دیگر، موضوع مذکور از جمله موارد خاصی است که یک فعل متخلفانه واحد متضمن هر دو شکل مسئولیت مستقل و اشتقاقی است و این امر چه بسا بتواند موجب طرح مسئله «جبران جامع»¹ شود. از منظر نظری، این وضعیت تأییدکننده رویکردی است که در دکترین جدید «مسئولیت در زنجیره چندلایه»² مطرح شده است (Nollkaemper, 2020). به موجب این رویکرد، در نظام بین‌الملل پیچیده کنونی، مسئولیت تنها بر دولت مباشر متمرکز نیست، بلکه دولتهایی که به‌طور غیرمستقیم در نقض حقوق بین‌الملل نقش دارند نیز در معرض پاسخگویی قرار می‌گیرند.

فرجام سخن

تحلیل سه مرحله‌ای این پژوهش نشان داد که جنگ دوازده روزه اسرائیل و ایالات متحده علیه ایران، واجد تمامی عناصر مادی و ذهنی تجاوز نظامی در معنای مندرج در ماده ۸ مکرر اساسنامه رم و ماده (4) 2 منشور ملل متحد است. در این چارچوب، مسئولیت اسرائیل در وهله اول به عنوان دولت مباشر به صورت مسئولیت مستقیم و مستقل و سپس به عنوان دولت مساعدت‌کننده به ایالات متحده، به شکل مسئولیت اشتقاقی در تجاوز، قابل استناد است. از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی، رفتار اسرائیل - اعم از ارائه اطلاعات نظامی، پشتیبانی لجستیکی و تشویق به تشدید حملات - در چهارچوب ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولتها می‌گنجد. این رفتارها مصادیق کمک و تحریک به فعل متخلفانه بین‌المللی‌اند که موجب مسئولیت اشتقاقی می‌شوند

1. Comprehensive reparation.
2. Multi-layered Responsibility.

(ILC, 2001). نکته قابل توجه در این مطالعه این است که به دلیل کمک یا مساعدت رژیم صهیونیستی به ایالات‌متحده از طریق نقض هنجارهای آمره بین‌المللی، نوعی از همگرایی و هم‌زمانی در طرح مسئولیت مستقل و مسئولیت اشتقاقی این رژیم قابل شناسایی است.

به طور خلاصه، یافته‌های پژوهش در سه محور اساسی قابل جمع‌بندی است:

1. از منظر مفهومی، تجاوز نظامی در این بحران نه صرفاً یک اقدام منفرد، بلکه مجموعه‌ای از عملیات‌های هماهنگ شده میان دو دولت بود که در آن، عنصر قصد مشترک¹ به وضوح مشاهده می‌شود. این هم‌افزایی ساختاری میان ایالات‌متحده و اسرائیل، مصداق روشن «تجاوز چند دولتی»² است که در ادبیات جدید حقوق بین‌الملل اهمیت فزاینده‌ای یافته است (Tams, 2002; Nollkaemper, 2020).

2. از منظر حقوقی، بر اساس معیارهای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای «نیکاراگوئه» و «بوسنی»، کمک یا تشویق آگاهانه به عمل متخلفانه، موجب انتساب مسئولیت می‌شود؛ بنابراین، اسرائیل نه‌تنها از منظر اخلاقی، بلکه از نظر حقوقی نیز در تجاوز ایالات‌متحده علیه ایران شریک محسوب می‌شود.

3. از منظر اجرایی و جبرانی نیز بر مبنای اصول جبران خسارت در حقوق بین‌الملل، هر دولتی که در وقوع نقض مشارکت داشته باشد، باید نسبت به جبران مادی و معنوی خسارت وارده به زیان‌دیده اقدام کند. این امر شامل پرداخت غرامت به قربانیان، بازسازی زیرساخت‌های غیرنظامی و ارائه تضمین‌های رسمی به عدم تکرار است (Crawford, 2013).

1. Shared Intent.

2. Multilateral Aggression.

در پاسخ به فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این‌که «رفتار اسرائیل در جنگ دوازده روزه مصداق مسئولیت اشتقاقی در قالب کمک و تحریک به تجاوز نظامی است»، تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که این فرضیه به‌طور کامل تأیید می‌شود. هم از حیث عناصر مادی (وقوع فعل کمک به عمل متخلفانه) و هم از حیث عناصر ذهنی (آگاهی و قصد)، معیارهای مسئولیت اشتقاقی در مورد اسرائیل محقق است.

پژوهش حاضر از منظر حقوقی، چند پیامد مهم را برای نظام بین‌الملل روشن می‌کند:

1. لزوم بازنگری در کاربست مواد ۱۶ تا ۱۸ مجموعه مواد 2001 کمیسیون حقوق بین‌الملل برای موارد مشارکت چند دولتی در تجاوز، با هدف تعیین دقیق‌تر مرز میان کمک مشروع دفاعی و کمک غیرقانونی تجاوزکارانه؛

2. ضرورت ایجاد سازوکار نظارتی مستقل در شورای امنیت برای بررسی و ثبت موارد کمک و تحریک به تجاوز، مشابه «کمیسیون حقیقت‌سنجی تجاوز»¹؛

3. تقویت نقش دیوان بین‌المللی کیفری در تفسیر گسترده‌تر ماده ۸ مکرر اساسنامه رم، به‌ویژه در خصوص مسئولیت مأموران یا ارگان‌های دولت‌های غیر مباشر که در تجاوز مشارکت غیرمستقیم دارند و مسئولیت فردی آن‌ها موجب احراز مسئولیت بین‌الملل دولت متبوعشان نیز می‌شود. البته باید در نظر داشت که رژیم اسرائیل عضو اساسنامه رم نیست و این پیشنهاد متمرکز بر دولت‌های عضو این اساسنامه است؛

4. توسعه مفهوم مسئولیت اشتقاقی جمعی² به عنوان ابزار بازدارنده برای جلوگیری از

1. Aggression Verification Commission.
2. Collective Derivative Responsibility.

تجاوزهای شبکه‌ای در عصر همکاری‌های نظامی چندجانبه.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که «اسرائیل با توجه به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل مبنی بر تعهد دولت‌ها بر عدم مساعدت به دولت مباشر و عدم تحریک به تجاوز از یک منظر مسئولیت مستقل و از منظر دیگر، مسئولیت اشتقاقی در قبال تجاوز نظامی علیه ایران دارد» و موظف است بر مبنای قواعد جبران و تضمین به عدم تکرار، پاسخگو باشد. این نتیجه نه‌تنها در چارچوب نظریه‌های مسئولیت دولت‌ها معنا می‌یابد، بلکه در سطح سیاست بین‌الملل نیز ضرورت تقویت پاسخگویی دولت‌ها در قبال اعمال غیرمستقیم را برجسته می‌سازد.

منابع

- احمدی بختیاری، دلارام و محمودی، سید هادی. (1404). چالش‌های دعاوی مسئولیت بین‌المللی مشترک در محاکم بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، 55 (2)، 1035-1055. doi: 10.22059/jplsq.2024.373675.3496
- حدادی، مهدی. (1397). معاونت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت 2001. *مطالعات حقوقی*، 10 (4)، 1-30. doi: 10.22099/jls.2019.29680.2962
- حسینی نژاد، حسینقلی. (1376). نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر. *مجله حقوقی بین‌المللی*، 16 (22)، 143-152. doi: 10.22066/cilamag.1998.18169
- راعی، مسعود. (1388). کنترل کلی یا کنترل مؤثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؟. *مطالعات حقوق خصوصی*، 39 (3)، 151-164.
- زمانی، سید قاسم. (1391). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر رویه قضایی و داوری بین‌المللی. *پژوهش حقوق عمومی*، 15 (40)، 115-140.
- ذاکر حسین، محمدهادی. (1403). شهرک‌سازی و شهرکنشینی در مناطق اشغالی از منظر حقوق کیفری بین‌المللی. *مطالعات حقوقی*، 16 (1)، 391-426. doi: 10.22099/jls.2024.49216.5090

- سادات اخوی، سید علی و حسینی اکبر نژاد، حوریه. (1388). اعمال فرا سرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر. *مطالعات حقوق خصوصی*، 39 (4)، 233-256.
- سبحانی، مهین و باقری، نادیا. (1399). ماهیت و انواع مسئولیت معاونت در دیوان‌های بین‌المللی کیفری. *مطالعات حقوقی*، 12 (2)، 131-162. doi: 10.22099/jls.2020.34341.3531
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا و ترازوی، نسرین. (1400). تحلیل قواعد انتساب در مسئولیت مشترک بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، 51 (1)، 81-102. doi: 10.22059/jplsq.2019.281810.2022
- ملکی زاده، امیرحسین. (1392). ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی. *مجله حقوقی دادگستری*، 77 (82)، 160-191. doi: 10.22106/jlj.2013.10830

References

- Abilova, F., & Mirzayev, F. (2022, July 4). Who has effective control in Azerbaijan's Karabakh region? *EJIL: Talk!* <https://www.ejiltalk.org/who-has-effective-control-in-azerbajjans-karabakh-region/>
- Ahmadi Bakhtiari, D., & Mahmoudi, S. H. (2025). The challenges of litigating joint international responsibility before international judicial bodies. *Public Law Studies Quarterly*, 55(2), 1035–1055. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.373675.3496>, (In Persian).
- Atlantic Council. (2025, June 16). Twenty questions (and expert answers) on the Israel-Iran war. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/twenty-questions-and-expert-answers-on-the-israel-iran-war/>
- Atlantic Council. (2025, July 30). What the Israel-Iran conflict revealed about wartime cyber operations. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/what-the-israel-iran-conflict-revealed-about-wartime-cyber-operations/>
- Aust, H. P. (2016). The Nagorno-Karabakh conflict and attribution. *German Yearbook of International Law*, 59, 123–145.
- Boutin, B. (2022). Attributing conduct in the law of state responsibility: Lessons from Dutch courts applying the control standard in the context of international military operations. *Utrecht Journal of International and European Law*, 37(1), 62–80. <https://doi.org/10.5334/ujel.546>

- Crawford, J. (2013). *State responsibility: The general part*. Cambridge University Press.
- De Schutter, O. (2011). Human rights and the rise of international organisations. *Human Rights and International Legal Discourse*, 5(1), 51–67.
- Dinstein, Y. (2017). *War, aggression and self-defence* (6th ed.). Cambridge University Press.
- Gaja, G. (2005). Third report on responsibility of international organizations. UN Doc. A/CN.4/553. https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_553.pdf
- Galand, R. (2022, April 8). Azerbaijan v. Armenia before the European Court of Human Rights: Revisiting the effective control test after the "44-Day War". *Opinio Juris*. <http://opiniojuris.org/2022/04/08/azerbaijan-v-armenia-before-the-european-court-of-human-rights-revisiting-the-effective-control-test-after-the-44-day-war/>
- Hadadi, M. (2019). Complicity in Committing Internationally Wrongful Acts in the Draft Articles on Responsibility of States 2001. *Journal of Legal Studies*, 10(4), 1-30. doi: 10.22099/jls.2019.29680.2962 (In Persian).
- Henckaerts, J.-M., & Doswald-Beck, L. (2005). *Customary international humanitarian law* (Vol. I: Rules). Cambridge University Press / ICRC.
- Hosseini-Nejad, H. (1998). A look at the European Court of Human Rights. *International Law Journal*, 16(22), 143–152. <https://doi.org/10.22066/cilamag.1998.18169>, (In Persian).
- International Law Commission. (2001). *Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, with commentaries*. UN Doc. A/56/10. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
- International Law Commission. (2011). *Draft articles on responsibility of international organizations, with commentaries*. UN Doc. A/66/10. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_11_2011.pdf
- Knuckey, J. (2014, September 16). Hassan v. UK: A new approach to security detention in armed conflict? *Just Security*. <https://www.justsecurity.org/15018/hassan-v-uk-new-approach-security-detention-armed-conflict/>
- Lavrysen, L. (2016). *Human rights in a positive state: Rethinking the relationship between positive obligations and the European Convention on Human Rights*. Intersentia.

- Longobardo, M. (2022). The 2021 ECtHR decision in Georgia v Russia (II) and the application of human rights law to extraterritorial hostilities. *Israel Law Review*, 55(1), 3–31. <https://doi.org/10.1017/S0021223721000233>
- Longobardo, M. (2022). Occupation and attribution in Ukraine v. Russia. *Leiden Journal of International Law*, 35(2), 345–367.
- Milanović, M. (2011, July 7). European Court decides Al-Skeini and Al-Jedda. *EJIL: Talk!* <https://www.ejiltalk.org/european-court-decides-al-skeini-and-al-jedda/>
- Milanović, M. (2011). *Extraterritorial application of human rights treaties: Law, principles, and policy*. Oxford University Press.
- Milanović, M. (2021). Intelligence sharing in multinational military operations and complicity under international law. *International Law Studies*, 97, 1099–1127. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3930712
- Molkizadeh, A. H. (2013). The control standard in the system of international responsibility: unity or conflict in international judicial practice. *Judiciary Legal Journal*, 77(82), 160–191. <https://doi.org/10.22106/jlj.2013.10830>, (In Persian).
- Newsweek. (2025, June 18). Full list of U.S. military deployments that point to war with Iran. <https://www.newsweek.com/full-list-us-military-deployments-that-point-war-iran-2087171>
- Nollkaemper, A. (2020). Special rules of attribution of conduct in international law. *International Law Studies*, 96, 1–64. <https://digital-commons.usnwc.edu/ils/vol96/iss1/1>
- Nollkaemper, A., & Jacobs, D. (Eds.). (2015). *Distribution of responsibilities in international law*. Cambridge University Press.
- Nollkaemper, A., Plakokefalos, I., Schechinger, J. N. M., & Ryngaert, C. (2020). Guiding principles on shared responsibility in international law. *European Journal of International Law*, 31(1), 15–72. <https://doi.org/10.1093/ejil/chaa017>
- Politico. (2025, June 22). Bank hacks, internet shutdowns and crypto heists: Here's how the war between Israel and Iran is playing out in cyberspace. <https://www.politico.com/news/2025/06/22/us-israel-iran-war-cyber-attacks-00417782>
- Promo-LEX. (2025, July 16). Russia refuses to comply with ECHR judgments in Transnistrian cases. IPN. <https://ipn.md/en/promo-lex-russia-refuses-to-comply-with-echr-judgments-in-transnistrian-cases/>
- Raei, M. (2009). General control or effective control as a factor for realizing state responsibility? *Journal of Private Law Studies*, 39(3), 151–164. (In Persian).

- Reinisch, A. (2010). Aid or assistance and direction and control between states and international organizations in the commission of internationally wrongful acts. *International Organizations Law Review*, 7, 63–77. <https://doi.org/10.1163/157237410X543332>
- Risini, I. (2018). Aid and control in Mozer. *International Organizations Law Review*, 15(2), 234–256.
- Risini, I. (2021). January 28). Human rights in the line of fire: Georgia v Russia (II) before the European Court of Human Rights. (Seen at 12 October 2025), Verfassungsblog. <https://verfassungsblog.de/human-rights-in-the-line-of-fire/>
- Rome Statute of the International Criminal Court. (1998). United Nations.
- Ruys, T. (2010). *'Armed attack' and Article 51 of the UN Charter: Evolutions in customary law and practice*. Cambridge University Press.
- Sadāt Akhavi, S. A., & Hosseini Akbarnejād, H. (2009). The extraterritorial application of the European Convention on Human Rights in the jurisprudence of the European Court of Human Rights. *Journal of Private Law Studies*, 39(4), 233–256. (In Persian).
- Salomon, S. (2020). Economic control and attribution in international law. *Human Rights Law Review*, 20(3), 456–478.
- Sari, A. (2015). Untangling extraterritorial jurisdiction from international responsibility in Jaloud v. Netherlands. *Journal of International Criminal Justice*, 13(2), 287–308. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqv001>
- Sobhani, M., & Bagheri, N. (2020). The nature and types of complicity liability in international criminal tribunals. *Legal Studies*, 12(2), 131–162. <https://doi.org/10.22099/jls.2020.34341.3531> (In Persian).
- Zakir Hossein, M. H. (2024). Settlement and settlement activities in occupied territories from the perspective of international criminal law. *Legal Studies*, 16(1), 391–426. <https://doi.org/10.22099/jls.2024.49216.5090> (In Persian).
- Zamani, S. Q. (2012). State responsibility for acts of private companies from the perspective of judicial and arbitral practice. *Public Legal Research*, 15(40), 115–140. (In Persian).
- Ziyaei Bigdeli, M. R., & Tarazi, N. (2021). Analysis of attribution rules in international shared responsibility. *Public Law Studies Quarterly*, 51(1), 81–102. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.281810.2022> (In Persian).

Judicial Procedure

- European Court of Human Rights. (2007, May 2). Behrami and Behrami v. France and Saramati v. France, Germany and Norway (Grand Chamber). App. Nos. 71412/01 & 78166/01. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-80830>

- European Court of Human Rights. (2010, January 7). *Rantsev v. Cyprus and Russia*. App. No. 25965/04. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-96549>
- European Court of Human Rights. (2011, July 7). *Al-Jedda v. United Kingdom* (Grand Chamber). App. No. 27021/08. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-105612>
- European Court of Human Rights. (2012, September 12). *Nada v. Switzerland* (Grand Chamber). App. No. 10593/08. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-113118>
- European Court of Human Rights. (2012, October 19). *Catan and Others v. Moldova and Russia* (Grand Chamber). App. Nos. 43370/04, 8252/05 & 18454/06. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-114082>
- European Court of Human Rights. (2014, September 16). *Hassan v. United Kingdom* (Grand Chamber). App. No. 29750/09. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-146501>
- European Court of Human Rights. (2014, November 20). *Jaloud v. Netherlands* (Grand Chamber). App. No. 47708/08. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-148367>
- European Court of Human Rights. (2015, June 16). *Chiragov and Others v. Armenia* (Grand Chamber). App. No. 13216/05. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-155353>
- European Court of Human Rights. (2016, February 23). *Mozer v. Moldova and Russia* (Grand Chamber). App. No. 11138/10. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-161055>
- European Court of Human Rights. (2020, December 16). *Ukraine v. Russia (re Crimea)* (Grand Chamber). App. Nos. 20958/14 & 38334/18. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-207622>
- European Court of Human Rights. (2021, January 21). *Georgia v. Russia (II)* (Grand Chamber). App. No. 38263/08. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-207757>
- European Court of Human Rights. (2024, February 20). *Guide on Article 1 of the European Convention on Human Rights: Obligation to respect human rights – Concepts of "jurisdiction" and imputability*. <https://ks.echr.coe.int/documents/d/echr-ks/guide-on-article-1-obligation-to-respect-human-rights>
- European Court of Human Rights. (2025, July 9). *Ukraine and the Netherlands v. Russia* (Grand Chamber). App. Nos. 8019/16, 43800/14, 28525/20 & 11055/22. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-244292>
- International Court of Justice. (1986, June 27). *Military and paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*. <https://www.icj-cij.org/case/70>



International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY). (2003).
Prosecutor v. Galić, Case No. IT-98-29-A, Judgment.